

یک نامهٔ سغدی (نامهٔ باستانی سغدی شمارهٔ یک)

شیمای جعفری دهقی*

چکیده

نامه‌نگاری از دیرباز از جمله ابزارهای ارتباط انسان‌ها بوده است و ایرانیان باستان نیز از آن آگاه بودند. از جمله کهن‌ترین شواهد موجود از نامه‌نگاری در ایران متعلق به دورهٔ هخامنشیان است. از دورهٔ اشکانیان نیز آثاری در دست است، اما دورهٔ ساسانی را می‌توان اوج شکوفایی نامه‌نگاری در ایران پیش از اسلام دانست. در میان آثار به‌جای مانده از دورهٔ میانه نیز، نوشته‌هایی به زبان سغدی به شیوهٔ نامه نگارش شده که مطالعهٔ آن‌ها نه فقط از لحاظ زبان‌شناسی اهمیت بسیار دارد بلکه بسیاری از زوایای تاریک تاریخ اقوام شرق ایران را نیز در این دوره مشخص می‌کند. اورل استاین، در سال ۱۹۰۷ م، مجموعه‌ای از چند نامهٔ سغدی را در ویرانه‌های یکی از برج‌های دیده‌بانی دیوار چین پیدا کرد. این نامه‌ها، که بعدها «نامه‌های باستانی سغدی» نامیده شدند، امروزه کهن‌ترین متون سغدی نوشته بر کاغذ شمرده می‌شوند. نامهٔ نخست را زنی به مادرش نوشته و در آن شرح حال خود را برای مادر بازگو کرده است. در مقالهٔ حاضر، به خوانش و ترجمهٔ این نامه، ریشه‌شناسی واژگان و تحلیل شیوهٔ نامه‌نویسی در آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آیین نامه‌نویسی، زبان سغدی، نامه‌های باستانی، زبان‌های ایرانی میانه شرقی.

۱. مقدمه

به زبان سغدی در ایالت سغد قدیم سخن گفته می‌شد که مهم‌ترین شهرهای آن سمرقند و

* معاون بخش ایران‌شناسی و زبان‌شناسی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی shimajd@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۶

بخارا (در جمهوری ازبکستان کنونی) بوده است. علاوه بر این ایالت، زبان سغدی در نواحی دیگری مانند واحه‌های تورفان در ترکستان شرقی به عنوان زبان مراودات تجاری و فرهنگی و زبان اداری و تألیف و تصنیف رواج داشته است. بازمانده‌ای از این زبان اکنون در دره رودخانه زرافشان در شمال کوه یغناپ (در جمهوری تاجیکستان) متداول است. آثار سغدی را بر حسب موضوع می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: آثار دینی و آثار غیر دینی. آثار دینی سغدی متعلق به پیروان ادیان بودایی، مسیحی و مانوی است و همه آن‌ها در اوایل قرن بیستم میلادی در نواحی تورفان و تون هوانگ (Tun-huang)، در جنوب شرقی تورفان، در ترکستان چین، که پیروان این ادیان در آن‌جا سکونت داشتند، به دست آمده است. آثار غیر دینی سغدی مشتمل بر نوشته‌های روی سکه‌ها، نامه‌ها، اشیای سیمین، منسوجات، چرم، سفالینه‌ها و سنگ‌های گرانبهاست (تفضلی، ۱۳۷۶: ۳۵۷-۳۵۸).

۲. نامه‌نگاری در دوره میانه

نگارش نامه در ایران، پس از هخامنشیان در دوره سلوکیان نیز ادامه یافت. در این دوره، نامه‌ها به زبان رسمی، یعنی یونانی نگارش می‌شد. پس از آن، در دوره اشکانی نیز شاهان نامه‌هایی برای شهربانان خود می‌نوشتند. سنگ‌نوشته اردوان سوم را، که متن نامه‌ای به زبان یونانی و خطاب به مردم شوش است، می‌توان نمونه‌ای از نامه‌نویسی در این دوره شمرد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۷۷). از حدود نیمه دوم سده اول پیش از میلاد، زبان پارتی و خط آن، که از آرامی اقتباس شده بود، جانشین زبان یونانی شد. پس از این دوره، ساسانیان نیز سنت نامه‌نویسی را ادامه دادند و سغدیان هم، که اقوام ایرانی ساکن شرق بودند، نگارش نامه و اصول آن را از نواحی غرب ایران برگرفته و برای برقراری ارتباط از آن استفاده کردند. قدیمی‌ترین آثاری که به عنوان نامه به زبان سغدی کشف شده‌اند، مجموعه‌ای شامل نه نوشته است که با عنوان «نامه‌های باستانی سغدی» شناخته شده است. متأخرترین نامه کشف‌شده به این زبان در مجموعه «اسناد کوه مغ» است که عبارت آغازین آن، یعنی «بسم الله»، نشان می‌دهد که در دوره اسلامی نوشته شده است. با گسترش آیین نامه‌نویسی در شرق ایران در دوره‌های بعد، شاهد نامه‌هایی به زبان بلخی نیز هستیم.

۳. نامه‌های باستانی سغدی

این نامه‌ها، که جزو اسناد غیردینی سغدی محسوب می‌شوند، شامل پنج نامه کامل و چند

قطعه ناقص است که در یک برج نگهبانی متعلق به دیوار چین در غرب تون-هوانگ به دست آمده‌اند. این نامه‌ها، که هرگز به مقصد نرسیدند، بیانگر اوضاع اجتماعی و مسائل سیاسی آن دوره می‌باشند.

اورل استاین (Aurel Stein) این نامه‌ها را در سال ۱۹۰۷ در کیف یک نامه‌رسان و در میان انبوهی زباله به همراه چند اثر مکتوب چینی بر روی چوب پیدا کرد و تاریخ آن‌ها را به اعتبار چوب‌نوشته‌های چینی، که حدود قرن اول میلادی بود، اواسط یا اواخر قرن دوم میلادی، بعد از تاریخ احتمالی اختراع کاغذ، تشخیص داد. در صورت تأیید تاریخ‌گذاری استاین، نامه‌های سغدی کهن‌ترین متن نوشته بر کاغذ شمرده شدند. کیفیت نامه‌ها خوب نبود و هشت نامه آسیب‌دیده (پنج نامه و سه پاره نامه) به موزه بریتانیا منتقل شد. در سال ۱۹۳۱، رایشلت (Reichelt) نامه‌ها را همراه با دیگر دست‌نوشته‌های سغدی موزه بریتانیا حرف‌نویسی و به آلمانی ترجمه کرد. هنینگ با تفسیر نامه شماره دو که سالم‌ترین و بلندترین (۶۳ سطر) نامه بود و، با یادآوری حمله قبائل هون/خیون (Hun) به شمال چین، غارت پایتخت لویانگ (Lo-Yang)، قحطی و فرار امپراتور و آتش زدن شهرهای لویانگ و یه (Yeh)، تاریخ نامه‌ها را اوایل سده چهارم میلادی (۳۱۱ تا ۳۱۳ م) تعیین کرد (Henning, 1984). پس از او، سیمزویلیامز نامه باستانی شماره دو را به صورت مجزا (Sims-William, 2001) و نامه شماره پنج را در مقاله‌ای مشترک با گرنه و دلاوسیه ترجمه و تحلیل کرد (Sims-Williams et al., 1998).

۴. تاریخ نامه‌های باستانی سغدی

درباره تاریخ دقیق نامه‌های باستانی سغدی اتفاق نظر میان دانشمندان وجود ندارد. تا پیش از رمزگشایی و انتشار نامه‌های باستانی در سال ۱۹۳۱ م توسط استاین، اعتقاد بر این بود که این نامه‌ها در نیمه نخست سده دوم میلادی نوشته شده‌اند. این فرضیه بر اساس استدلال‌های باستان‌شناختی مطرح شده بود. با انتشار متن نامه‌ها، امکان بررسی دقیق‌تر آن‌ها فراهم شد. همان‌گونه که پلیوت (Pelliot) به سرعت متوجه شد، در نامه شماره دو شرح چگونگی تخریب پایتخت چین، یعنی لویانگ، ذکر شده است. بنابراین، نامه‌ها باید هم‌زمان با یکی از سه تاریخی که، در آن، شهر لویانگ غارت شد نوشته شده باشند. یعنی سال‌های ۱۹۰، ۳۱۱ یا ۵۳۵ میلادی. هر یک از این سه تاریخ طرفدارانی داشت. هارماتا (Harmatta) تاریخ ۱۹۰ م، هنینگ ۳۱۱-۳۱۲ م و فوجیدا (Fujieda) ۵۳۵ م را صحیح می‌شمردند.

یادداشت‌های هوشمندانه اما بسیار کوتاه پلیوت را هنینگ کامل کرد. وی چنین نتیجه گرفت که «چنانچه نامه‌های باستانی را متعلق به زمان غارت پایتخت که در اسناد چینی آمده تصور کنیم، استدلالی با چالش‌های بسیار کرده‌ایم» (Henning, 1984: 601-610). او، پس از رد شواهد باستان‌شناختی، به بررسی شواهد متن‌شناختی (palaeography) موجود در نامه‌ها پرداخت و چنین نتیجه گرفت: «در حالی که اسنادی مشابه برای مقایسه با نامه‌های باستانی در دست نداریم، بر اساس تجزیه و تحلیل خط نامه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که تاریخ نگارش آن‌ها در بازه زمانی میان سال‌های ۱۰۵ تا ۴۰۰ میلادی است ... زبان قدیمی نامه‌ها، در قیاس با دیگر متون سغدی، حفظ برخی از هزوارش‌ها در این نامه‌ها، که در آثار متأخرتر زبان سغدی مشاهده نمی‌شوند، عدم اشاره به آیین بودایی و مانوی از یک سو و وجود شواهد اعتقاد به دین ایرانی باستان به‌ویژه اشاره به پرستش ایزدانوی ننه (Nanai)، از سوی دیگر، عدم وجود اسامی خاص چینی، اشاره به روابط فرهنگی با هندویان Shan-shan، همه فرضیه «سده دوم تا چهارم میلادی» را تأیید می‌کند، اگرچه تاریخ دقیق نامه‌ها را به دست نمی‌دهند» (ibid: 601-615).

هرچند تاریخی که هنینگ برای این نامه‌ها ذکر کرد به صورت گسترده پذیرفته شد، با این حال، در سال‌های اخیر دو محقق با این نظریه مخالفت کرده‌اند: یکی هارماتا که بازگشت به تاریخ سده دوم میلادی را ترجیح می‌دهد (Harmatta, 1976: 71-86) و دیگری، فوجیدا که نامه‌ها را متعلق به دوره‌ای متأخرتر، یعنی سده ششم میلادی، می‌داند (Fujieda, 1971: 142-143).

فوجیدا نظریه هنینگ را، که به جزئیات بسیاری پرداخته است، رد نمی‌کند؛ اما او فقط بر اساس شواهدی که از بررسی کاغذ نامه‌ها به دست آورده نظریه خود را بنا می‌نهد. او جنس کاغذ را کنف و کاغذ ذکر می‌کند که بسیار نازک، زرد رنگ و اصالتاً چینی است، یعنی همان جنس کاغذهایی که از سده ششم میلادی به دست آمده است. او این مسئله را به همراه این نکته که نام شهر «یه» در نامه دوم به عنوان یکی از شهرهای اصلی شمالی ذکر شده دلیلی برای ادعای خود می‌شمارد و چنین نتیجه می‌گیرد که نامه دوم احتمالاً متعلق به سال‌های پرتنش پایان سده دوم میلادی است (ibid).

به خلاف فوجیدا که فرضیه خود را درباره تاریخ نامه‌های باستانی شتاب‌زده و در حاشیه ابراز می‌کند، هارماتا چندین مقاله را به این موضوع اختصاص داده است. مباحثی که او مطرح کرده به دو دسته تقسیم می‌شود: آن دسته از مباحث که تاریخ پایان سده دوم

میلاادی را اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که همان اندازه شواهدی که برای تاریخ سده چهارم میلاادی در دست است برای سده دوم نیز موجود است. دیگر، آن دسته مباحث که، به گفته خودش، تاریخ سده چهارم را رد می‌کند و نظر او را درباره تاریخ ۱۹۶ میلاادی تأیید می‌کند (Harmatta, 1976: 71-86; 1979: 153-165).

در پی آن، سیمزویلیامز و گرنه، در مقاله‌ای، به بررسی تاریخی محتوای نامه‌های باستانی پرداخته‌اند. آن‌ها در این مقاله دو نظریه هارماتا و فوجیدا را درباره تاریخ نامه‌های باستانی رد کرده و نظریه هنینگ را، که به سال‌های ۳۱۲-۳۱۳ م اشاره دارد، درست می‌شمارند (Sims-Williams and Grenet, 1985: 101-122). این تاریخ را تا کنون بیش تر دانشمندان پذیرفته‌اند.

۵. بررسی نامه شماره یک

نامه باستانی شماره یک در سال ۱۹۰۷، با ابعادی در حدود ۴۰×۲۲ سانتیمتر، به صورت تاخورده و با نخ محکم بسته شده، در محوطه‌ای در نزدیکی دیوار چین پیدا شد. در گوشه بالای نامه، تاخوردگی‌ای مشاهده می‌شود که، بر روی آن، نشانی گیرنده نامه در سه سطر کوتاه نوشته شده و بخشی از آن از بین رفته است. نامه‌ای است خصوصی از طرف زنی به نام «میونی» به مادرش. در این نامه، زن از همسر و خانواده او به مادر گله می‌کند که اجازه نمی‌دهند وی مادرش را ببیند. در پایان نامه، نویسنده خود را «زنی آزاده» می‌نامد.

۱.۵ متن نامه^۱

روی نامه

1. MN δwγδryh mywz'yh "z'tch 'D pryw m'th c't'ysh "pryw nm"cyw 'PZY-š
2. šyr YWM ZK-ZY-β HZYH ZY δrweh 'ncyh 'HRZY MN ZK YWM prtr ZY 'YKZYβn xwty wyn'yymn
3. pr δrwst'twh 'HRZY-m 'zm"nk k'δyw 'PZY- βn wyn'yymn 'HRZY βxrk nyst 'HRZY-m
4. ptškw't s'γ'r'k β'nkr'm 'HRZY β'nkr'm m'δ w'βt 'nyw ZY mδ' nnyδt pntw
5. nyst 'YKZY 'rtyβ'n 'HRZY-m ptškw't 'rtyβ'n 'HRZY m'δ w'βt prnxwnt ZY
6. 'xšnyβnt 'zw L' nm'w pδβyr't L' nm'w ptxwt 'HRZY prnxwnd m'δ
7. m'δ w'βt kδ-ZY nyš kt'w'ndk γwtm L' ptsynd 'PZY-tn šw'y pyts'r 'k'w

8. m'th 'YKZY-t 'zw škr'n 'HRZY pcks' 'YKZY nmcw' s'n tys't 'HRZY 'st kδ
9. nnyδt tys't 'HRZY 'zw'm βyzβr'k 'pw nγ'wδn 'pw 'zγ'mk'HRZY xwyz'm p'rh
10. 'HRZY-m nyδk nmt δβrt 'HRZY ptwyδ'm 'c βγn-ptw ZKw srδm'nytw
['HRZY-m m'δ wγtw-δ'rt] 'HRZY kδ
11. šwy 'HRZY-tn 'zw 'xwštrw δβr'n 'HRZY mrt'xmk šwy' 'HRZY 'wy r'δyh
12. šyr'kk ks'n 'HRZY-m wytwr kwny 'PZY-m δyγh prstyy

پشت نامه

1. MN δwyth 'D pryw
2. mywz'yh m'th
3. "z'tch ctys

۲.۵ برگردان نامه

روی نامه

۱. از (طرف) دختر(ش)، میوئی، زن آزاده، به مادر عزیز(ش) چتیس، درود و نماز
۲. روز خوبی (باشد) آنگاه که او شما را سلامت و آسوده ببیند و از آن روز آنگاه که خود شما را
۳. به سلامت ببینم و من بسیار بی‌قرار هستم تا شما را ببینم و بختی (فرصتی) نیست و من
۴. به سَغرک، عضو انجمن، اعلام کردم (اما) عضو انجمن چنین می‌گوید «این‌جا دیگر (کسی) نزدیک‌تر به نئی‌دَت»
۵. نیست مگر اردوان» و من به اردوان گفتم و چنین می‌گوید «فرخنده و ...
۶. من نماز (نمی‌برم و) شتاب نمی‌کنم سرزنش» و فرخنده چنین
۷. می‌گوید «اگر شوهر تو نپسندید که به سوی مادر(ت) برگردی
۸. هنگامی که من تو را دنبال کنم، پس منتظر بمان و نماز به جای آور، دشمن وارد خواهد شد» پس
۹. نئی‌دَت وارد خواهد شد و من بدبخت زندگی خواهم کرد، بدون لباس و بدون پول و وام خواهم
۱۰. پس هیچ‌کس ... نمی‌دهد و آگاه شوم از جادوگر (کاهن) که او با خوشحالی (به من چنین گفت): اگر

۱۱. بروی، من شتری را به تو خواهم داد و مردم در راه
۱۲. از تو به خوبی مراقبت خواهم کرد تا (او این کار را) بکند و تو برای من نامه‌ای بفرستی

پشت نامه

۱. از (طرف) دختر(ش) به عزیز
۲. میونئی مادر (به مادر عزیزش)
۳. زن آزاده

۶. ریشه‌شناسی و تحلیل واژگان

āzāč - صفت مؤنث، «زن آزاده، نجیب‌زاده» (قریب، ۱۳۷۴: ۱۶)، فارسی میانه: **āzād** (Mackenzie, 1971: 15)، قس. اوستایی: **āsna-** (Bartholomae: 1904, 341)، ختنی: **āysāta-** (Bailey, 1979: 20). این واژه را نیبرگ از ریشه $\sqrt{zāy}$ «بیرون ریختن، رها کردن» می‌شمارد (Nyberg, 1974: 41). چونگ آن را از ریشه \sqrt{zan} «زادن» می‌داند (Cheung, 2007: 464-466). پسوند **-č** در این واژه علامت تأنیث است (Gershevitch: 1954, 152). این صفت در متن *وستتره جانکه* (داستان تولد بودا) نیز به کار رفته:

rty βn z't'tty 'krty ZKH 'z'tč βγ'n'yk γr'ywh δ'yh ZY βnty

پس ای فرزندان، شخص آزاده و خدای وار شما کنیز و بنده شده است (قریب،

۱۳۸۶: ۹۸)

بنویست این واژه را «نجیب‌زاده» ترجمه کرده و آن را صفت به معنی «آزاد» و در مقابل «بنده، خدمتکار زن (سغدی $\delta'yh$)» شمرده است (Bénveniste, 1946: 66-67). طبقه آزاد یکی از چهار طبقه اصلی جامعه ساسانی بود. طبقات دیگر شامل شهریاران، واسپوهران، و بزرگان می‌شد. به نظر کریستن‌سن، طبقه آزادان نخستین بار توسط آریایی‌ها و برای تشخیص از بومیان ایران استفاده شده است (کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۷۹). ذکر این طبقه از مردم در دیگر متون سغدی نیز مشاهده شده است (Smirnova, 1970: 148-149).

āfrīyu - اسم، «درود، آفرین» (قریب، ۱۳۷۴: ۹)، اوستایی: **āfrīna-** «دعای خیر، تحسین» (Bartholomae, 1904: 331)، فارسی میانه: **āfrīn** (Mackenzie, 1971: 5)، فارسی میانه ترفانی: **āfrīn**، مشتق از ریشه \sqrt{fir} «شادی کردن» (Cheung, 2007: 87).

ančay - صفت، «آرام، آسوده» از **ham.čyā.ya*** (قریب، ۱۳۷۴: ۳۷). این واژه در

نامه‌های باستانی سغدی در عبارت متداول آغاز نامه $\delta r'wk \text{ 'ncy}$ «سالم و آسوده» به کار رفته است. (قس. نامهٔ باستانی شمارهٔ دو، سطر پنج، نامهٔ باستانی شمارهٔ پنج، سطر دو). رایشلت این واژه را اسم و به معنی «زن» گرفته است (Reichelt: 1931, 46). هنینگ نظر او را مردود دانسته و معتقد است این واژه را باید به صورت 'yncy تصحیح کرد (Henning, 1984: 605). سیمزویلیامز و گرنه این واژه را صفت در حالت نهادی مفرد و به معنای «سالم» شمرده‌اند. (Sims-Williams and Grenet, 1985: 108). ریشهٔ \sqrt{cay} در زبان‌های ایرانی به معنی «آرام بودن، آسوده بودن، شاد بودن» است (Cheung, 2007: 37) که در این ترکیب به معنی «سالم و آسوده» منطقی به نظر می‌رسد.

ezmānak - صفت، «بی‌قرار». سیمزویلیامز این واژه را «مشتاق» ترجمه می‌کند (Sims-Williams, 2004: npn). این واژه را به صورت 'nm^k به معنی «مشتاق» نیز خوانده‌اند.

Sayarak - اسم خاص. در این نامه اکثر اسامی اشخاص ایرانی هستند.

βānkarām - اسم، «مشاور، رایزن»، ختنی: būnā «سخن، کلام». بیلی معتقد است که بخش نخست این واژه، کلمهٔ *bāma «پند و سخن» است (Bailey, 1979: 296) از ریشهٔ \sqrt{bau} «صحبت کردن، حرف زدن» (Pokorny, 1959: 105-106)، بخش دوم واژه: karām از ریشهٔ \sqrt{kar} «انجام دادن» (Cheung, 2007: 236).

Nanaiδat - اسم خاص، «آفریدهٔ ننه». بخش نخست «Nanai» نام ایزدبانویی است که در سغد و آسیای مرکزی، در دوران پیش از اسلام، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بوده است. نام او در بسیاری از سکه‌ها و آثار به‌جای مانده از این دوره مشاهده می‌شود (زرشناس، ۱۳۸۵: ۲۴). بخش دوم واژه « $\delta\dot{a}t$ » از ریشهٔ $\sqrt{d\dot{a}}$ به معنی «آفریدن، بخشیدن» است (Cheung: 2007, 43).

kādyu - قید، «بسیار، خیلی، کاملاً»، از $\text{*k\ddot{a}diya}$ (قریب، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

paθβērāt - فعل ماضی سوم شخص مفرد، «عجله کرد، شتاب کرد»، از پیشوند *pati- + ریشهٔ $\sqrt{w\ddot{e}war}$ «شتاب کردن، عجله کردن» (Cheung, 2007: 399)، پارتی: nydf'r (Ghilain, 1939: 74).

patxut - صفت، «منفور» (قریب، ۱۳۷۴: ۳۲۲)، پارتی: prxwdn «توهین کردن، تحقیر کردن» (Ghilain, 1939: 122; Boyce, 1977: 73).

katāwandē - اسم، «شوهر، همسر» (قریب، ۱۳۷۴: ۱۹۸). سیمزویلیامز آن را «خانوادهٔ شوهر» (husband's relative) ترجمه کرده (Sims-Williams, 2004: npn).

pačkas - فعل امر دوم شخص مفرد، «منتظر بمان»، پارتی: pdgs- «ظاهر، سیمما» (Ghilain, 1939: 51; Boyce, 1977: 68)، از پیشوند pati- و ریشه \sqrt{kas} «دیدن، نگاه کردن» (Cheung, 2007: 245).

patsēnd - فعل ماضی افزونه دار سوم شخص مفرد، «پسندید» (قریب، ۱۳۷۴: ۳۱۸)، از پیشوند pati- + ریشه \sqrt{sand} «به نظر رسیدن» (Cheung, 2007: 332)، فارسی باستان: ead- «به نظر رسیدن» (Kent, 1953: 187)، فارسی میانه: passandīdan (Mackenzie, 1971: 66)، ختنی: *pasad «ظاهر شدن» (Bailey, 1979: 224).

škarān - فعل مضارع التزامی اول شخص مفرد، «دنبال کنم» (قریب، ۱۳۷۴: ۶۹)، از ریشه $\sqrt{škar}$ «دنبال کردن، همراهی کردن» (Cheung, 2007: 345)، فارسی میانه: škarag «مرغ شکاری» (Mackenzie, 1971: 80)، پارتی: škr «شکار کردن، دنبال کردن» (Ghilain, 1939: 58).

tisāt - فعل مضارع التزامی سوم شخص مفرد، «وارد خواهد شد»، از پیشوند ati- و ریشه \sqrt{ay} «رفتن» (Cheung, 2007: 154-155)، فارسی باستان: atiyāiš- (Kent, 1953: 169)، فارسی میانه ترفانی: 'dyh (Boyce, 1977: 8).

βəžβarē - صفت، «بدبخت»، مرکب از βəž «بد، زشت، رنج» (قریب، ۱۳۷۴: ۲۲) و βar- ماده مضارع از ریشه $\sqrt{\beta r}$ «بردن، حمل کردن» (Cheung, 2007: 6).

əžyāme - اسم، «ثروت، دارایی، پول» (Sims-Williams, 2004: npn).

βayān-patu - اسم، «کاهن، جادوگر» (قریب، ۱۳۷۴: ۱۰۲)، مرکب از βayān- «ایزدان» و patu- از ریشه $\sqrt{pā}$ «پاییدن، نگهداری کردن» (Cheung, 2007: 288-289)، فارسی میانه: pādan- «مراقبت کردن، نگهداری کردن» (Mackenzie, 1971: 62)، پارتی: p'y «نگهبانی کردن» (Ghilain, 1939: 86). پایانه جمع ān- در βayān صورت تحول یافته پایانه جمع حالت وابستگی - برای دوره باستان یعنی ānām- است (زرشناس، ۱۳۸۷: ۶۲). این واژه در اسناد کوه مغنیز آمده:

pr n'm βyy δ'mδ'nk

MN xmyr 'βtrxwm'n pwn swpx 't ...Kwrcy Bynptw...

(Yakubovich, 2002: 234).

به نام خداوند آفریننده

از امیر عبد الرحمن صبح به ... و کورچی روحانی ...

sarōmānēt - اسم معنا، «خوشحالی، شادمانی» (قریب، ۱۳۷۴: ۳۶۱).

Bartholomae, 1904:) uštra- اوستایی: «شتر» (قریب، ۱۳۷۴: ۸۴)،
420-421)، فارسی باستان: uša- در ترکیب uša.bārim «شترسوار» (Kent, 1953: 178)،
فارسی میانه: uštar- (Mackenzie, 1971: 85)، ختنی: ula- (Bailey, 1979: 40).
Moneir-Williams,) lekhyā- سنسکریت: «نامه» (قریب، ۱۳۷۴: ۱۴۸)،
901 (1979). در متون به جای مانده از زبان سغدی، حدود شش واژه برای «نامه» مشاهده
می‌شود که پرکاربردترین آن‌ها واژهٔ frawartē (فارسی میانه frawardag) است. دیگر واژگان
عبارت‌اند از: pōstē .payštē .nāmē .ḍib

۷. برابری سخن

نامهٔ باستانی شمارهٔ یک شامل بخش‌هایی همچون عبارت آغاز نامه، عبارت احوال‌پرسی،
متن اصلی نامه و عبارت پایانی است. عبارت آغاز نامه: čan at āfryu namāčyū
عبارتی متداول در نامه‌نگاری به زبان‌های ایرانی میانه است. نظیر همین عبارت را در
رسالهٔ «آیین نامه‌نویسی» به زبان فارسی میانه، حماسهٔ یادگار زریران و «نامه‌های بلخی»
شاهد هستیم.

MP: az wahnān be wahnān drōd ī was ...

از بهمان به بهمان، درود بسیار (جاماسب آسانا، ۱۸۹۷: ۱۳۶)

Parth. az wištāsp šāh ī ērān dahibed ō arjāsp ī xyōnān šāh, drōd...

از گشتاسب شاه ایران به ارجاسب، شاه هیونان، درود ... (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۲۴،

سطر ۱۷-۱۸)

Bac. Ασο δοχτοανωφο αβο χοαδηοοανιδο υαζαρο βηοαρο λροδο...

از دخت‌انوش، شاهزاده، خداوندگار، هزار (و) ده‌هزار درود ... (Sims-Williams, 2007: 52).

این عبارت ساده‌ترین و متداول‌ترین شیوه برای آغاز نامه در زبان‌های ایرانی میانه
است. اگرچه این نامه در شمار نامه‌های خصوصی قرار می‌گیرد، عبارت آغاز آن عبارتی
رسمی است که در سایر نامه‌ها برای نگارش نامه از سوی فرودست به مقام بالاتر
استفاده شده است. این مسئله نشان می‌دهد که نظام ویژه‌ای برای نگارش نامه در آن
زمان مرسوم بوده و نویسنده از همان عبارت متداول برای نگارش نامه به مادر خود
بهره برده است.

صورت غیر هزوارشی حرف اضافهٔ čn در سایر متون باقی‌مانده به زبان سغدی چندان

رایج نیست و این صورت نشان از قدیمی بودن زبان نامه دارد. در نامه های دوره متأخرتر، یعنی نامه های کوه مغ که متعلق به سده هشتم میلادی است، معمولاً صورت MN که هزوارش برای همین حرف اضافه است به کار رفته است. قس. نامه عبدالرحمان صبح به دیواشتیچ (Yakubovich, 2002: 234).

کاربرد بدل در عبارت آغاز نامه نیز درخور توجه است. در این جا از لقب «آزاد» استفاده شده که جزو طبقات اجتماعی آن دوره بوده و حاکی از آن است که نویسنده و گیرنده از طبقات برتر جامعه بوده اند.

پس از عبارت آغاز نامه، عبارت احوال پرسی ذکر شده:

'PZY-š šyr YWM ZK-ZY-β HZYH ZY δrwch 'ncyh 'HRZY MN ZK YWM ptrr
ZY 'YKZYβn xwty wyn'ygn pr δrwst'twh

نظیر همین عبارت را در نامه های دوره میانه به ویژه نامه های بلخی مشاهده می کنیم:

Bac. στανο σαλο παταρανο καλδανο χοαδο λρογο σηνανο (Sims-Williams, 2007: 55)

و من شادتر خواهم شد آنگاه که خود، شما را سلامت ببینم.

در بخش اصلی نامه، ساختار نحوی متداول در زبان سغدی مشاهده می شود. بخش بزرگی از ادبیات سغدی را متن های دینی تشکیل می دهند که از زبان های دیگر ترجمه شده اند و عبارات سغدی، اغلب، ترتیب واژه های زبان اصلی را بدون، هیچ تغییری، دنبال می کنند و، در نتیجه، نحو زبان سغدی را نشان نمی دهند (زرشناس، ۱۳۸۷: ۱۴۴). نامه های باستانی از این جهت، که اصالتاً به همین زبان نگارش شده اند، تا حدودی ساختار نحوی زبان سغدی در آن ها محفوظ مانده است. ترتیب اجزای جمله معمولاً در زبان سغدی به صورت فاعل - مفعول - فعل است.

در پایان نامه، نویسنده درخواست می کند که گیرنده برای او نامه بنویسد. چنین شیوه ای برای پایان نامه کاربرد کمتری دارد و به نظر می رسد پشت نامه همان عبارت تکرار شده است. در نامه های سغدی متأخرتر نظیر نامه های دیواشتیچ شاهد عبارات مفصل تر و ذکر تاریخ در پایان نامه هستیم.

پی نوشت

منابع

- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- جاماسب آسانا، جاماسب جی (۱۸۹۷). *متن های پهلوی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۰). *بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- جعفری دهقی، شیمیا (۱۳۹۱). *آیین نامه نویسی در زبان های ایرانی میانه*، رساله دکتری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۵). *زن و واژه*، تهران: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی فروهر.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۷). *دستنامه سغدی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۴). *فرهنگ سغدی*، تهران: فرهنگان.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۶). *روایتی از تولد بودا*، تهران: پژوهشکده زبان و گویش پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- ماهیار نوایی، یحیی (۱۳۷۴). *یادگار زریران*، تهران: اساطیر.

- Bailey, H.W (1979). *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge.
- Bartholomae, Chr (1904). *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
- Boyce, M. (1977). *A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, (Acta Iranica9), Leiden-Téhéran-liége
- Bénveniste, E. (1946). *Vessantra Jātaka*, Paris.
- Cheung, J. (2007). *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Leiden, Boston.
- Fujieda, A. (1971). *Moji no bunkashi*, Tokyo.
- Gershevitch, I. (1954). *A Grammar of Manichaean Sogdian*, Oxford.
- Ghilain, A. (1939). *Essai Sur la Langue Parthe*, Louvain.
- Harmatta, J. (1976). "The archeological evidence for the date of the Sogdian Ancient Letters", *Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae XXIV*.
- Harmatta, J. (1979). "Sogdian Sources for the History of Pre-Islamic Central Asia", *Prolegomena to the Sources on the History of Pre-Islamic Central Asia, Budapest*.
- Henning, W.B. (1984). "The Date of the Sogdian Ancient Letters", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies 12*, No. 3/4.
- Kent, R.G. (1953). *Old Persian. Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven
- Mackenzie, D.N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford
- Monier-Williams, M. (1979). *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford
- Nyberg, H.S. (1974). *A Manual of Pahlavi II, Glossary*, Wiesbaden

- Pokorny, J. (1959). *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, Bern
- Reichelt, H. (1931). *Die Sogdischen Handschriftenreste des Britischen Museum II*, Heidelberg
- Sims-Williams, N. (2004). <http://depts.washington.edu/silkroad/texts/sogdlet.html> (acc.25/5/92)
- Sims-Williams, N. and F. Grenet (1985). "The Historical Context of the Sogdian Ancient Letters", *Transition Periods in Iranian History, Actes du Symposium de Fribourg en Brisgau 22-24 mai, Leuven*.
- Sims-Williams, N, Grenet, F & de la Vaissiere, E, 1998 [2001]. "The Sogdian Ancient Letter V", in *Bulletin of the Asia Institute 12*, Studies in Honor of Paul Bernard.
- Sims-Williams, N. (2007). *Bactrian Documents from Northern Afghanistan*, Vol.II, Letters and Buddhist Texts, London.
- Smirnova, O.I. (1970). "Azatans as a Social Category of Sogdian Population", *The Near and Middle Orient* (for the 70th Anniversary of Professor M. Petrushevski), Moscow.
- Yakubovich, I. (2002). "Mugh I. Revisited", *Studia Iranica 31*.
- www.idp.bl.uk.
- <http://titus.uni-frankfurt.de/texte/etcs/iran/miran/sogd/sogdswc/sogdn.htm>

